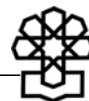


:

:



1 _____

[Empty rectangular box]

[Empty square box]

:

[Empty rectangular box]

:

.....

.....

.....

(

.....

(

.....

.

.....

.

.....

(

.....

(

.....

(

.....

(

.....

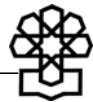
(



تغییر و تحولات سریع و روزافزون در عرصه‌های مختلف زندگی در جهان امروز ایجاب می‌کند دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی به عنوان اصلی‌ترین و مهم‌ترین مراکز تحول آفرین در عرصه حاضر خود نیز آمادگی و توان رویارویی با این تحولات را داشته باشند و بتوانند از نتایج و دستاوردهای علوم مختلف در اداره هر چه مطلوب‌تر خود استفاده کنند. به بیان دیگر نمی‌توان از این گونه مراکز انتظار تحول و نوآوری داشت اما اداره آن‌ها همچنان با روش‌های سنتی و ناکارآمد صورت گیرد. شیوه‌های تمرکز گرایانه در مراکز علمی کارایی لازم را نداشتند و این گونه مراکز نیازمند برخورداری از آزادی عمل هستند تا بتوانند پاسخگوی نیازهای متعدد، متنوع و همواره در حال تغییر سایر نهادهای اجتماعی باشند. هیأت‌های امنای یکی از سازوکارهای مناسب و مؤثر برای اداره این گونه سازمان‌ها است که لزوماً باید از استقلال قابل توجهی برخوردار باشند هیأت‌الکوی مور استفاده دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی بسیاری از کشورهای جهان برای اداره آن‌ها است. در ایران نیز از دهه سی و چهل این سازوکار برای اداره دانشگاه‌های دولتی استفاده شده است. اگرچه قانون هیأت‌امنا دچار تغییراتی شده است ولی شالوده اصلی آن کماکان حفظ شده است بررسی و تحلیل قانون هیأت‌های امنای، نواقص قانون فعلی، مغایرت‌های آن با قوانین و مقررات عمومی کشور و اصل استقلال دانشگاه‌ها، تحلیل مصوبات، میزان و نحوه استفاده هیأت‌های امنای از اختیارات و وظایف پیش‌بینی شده و دلایل موفقیت و عدم موفقیت آن زمینه‌هایی هستند که نتایج آن کمک شایانی به تجدید نظر در قانون فوق می‌کند. گزارش حاضر نیز به منظور بررسی قانون هیأت‌امنا، نقش و وظایف هیأت‌امنا، عملکرد آن در طول سال‌های گذشته، تدوین شده است. این گزارش نخست به پیشینه هیأت‌انامی آموزش عالی در ایران و جهان می‌پردازد. آنگاه میزان تناسب قانون کنونی هیأت‌های امنای با نیازهای دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی را بررسی و ضمن آن به برخی از وظایف و مسئولیت‌های عمده هیأت‌های امنای اشاره می‌کند. سپس برخی از نقاط قوت و ضعف قانون فعلی هیأت‌های امنای دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی را برمی‌شمارد و به کیفیت رابطه این هیأت‌ها با وزارت متبوع می‌پردازد. در ادامه، ضمن بررسی ترکیب اعضای هیأت‌های امنای، چگونگی انتخاب رئیس و اعضای آن‌ها را مورد بررسی قرار می‌دهد. آنگاه به وظایف و اختیارات هیأت‌امنا در امور مالی و معاملاتی اشاره می‌کند و در پایان، فهرست‌وار برخی از مصوبات مهم این هیأت‌ها را در طول فعالیت مجددشان پس از پیروزی انقلاب اسلامی برمی‌شمارد.

(

خاستگاه «هیأت‌انامی آموزش عالی»، همانند بسیاری دیگر از موضوعات آموزش عالی، دانشگاه‌های قرون وسطای اروپا و دانشگاه‌های وابسته به جنبش اصلاح طلبانه کلیسای روم در قرن شانزدهم میلادی است. به نظر می‌رسد آغاز به کار نخستین دانشگاه در اروپا با آغاز به کار نخستین «هیأت‌امنا» نیز همراه بوده است. در آمریکا نیز مدارس عالی به صورت هیأت‌انامی اداره می‌شدند. بعدها این روند در دیگر سطوح آموزش عالی و در دیگر کشورهای جهان گسترش یافت و متداول شد.



در ایران نیز با شکل‌گیری نهاد دانشگاه در کشور و آغاز به کار دانشگاه تهران در سال ۱۳۱۳ هـ. ش، گرچه نهادی به نام «هیأت امنا» در آن پیش‌بینی نشده بود، اما شورایی به نام «شورای دانشگاه» در آن وجود داشت که بسیاری از اختیارات و وظایف هیأت امنا را انجام می‌داد و دارای کارکرد هیأت امنا بود. این شورا از همان آغاز، زمینه استقلال دانشگاه تهران را در تصمیم‌گیری‌ها مهیا ساخت، چنان که در سال ۱۳۲۱، مقررات ویژه‌ای را به منظور تأمین استقلال دانشگاه تهران از وزارت فرهنگ وقت از تصویب مجلسین وقت (مجلس شورای ملی و سنا) گذراند که به موجب آن رؤسای دانشکده‌ها را شوراهای دانشکده‌های مربوط و رئیس دانشگاه را اعضای شورای دانشگاه و رؤسای دانشکده به مدت سه سال برمی‌گزیدند. از این تاریخ به بعد، دانشگاه تهران در همه کارهای خود (اعم از اداری، تعلیماتی، فنی و مالی) رأساً تصمیم می‌گرفت و این تصمیم را بدون کوچک‌ترین مراجعه به وزارت متبوع به اجرا می‌گذارد.

عبارت «هیأت امنای دانشگاه» در ایران برای نخستین بار در اساسنامه دانشگاه ملی (شهید بهشتی) مصوب نهمصدو هشتمین جلسه شورای عالی فرهنگ مورخ ۸ آبان ۱۳۳۹، به منزله رکن دانشگاه، به کار رفت؛ اما دانشگاه شیراز، نخستین دانشگاه در ایران بود که دارای هیأت امنا شد. براساس قانون تأسیس این دانشگاه در ۶ خرداد ۱۳۴۳ به تصویب رسید، هیأت امنا، نماینده قانونی آن بود و کلیه امور علمی، فنی، آموزشی، مالی، اداری و استخدامی دانشگاه زیر نظر آن اداره می‌شد.

پس از دانشگاه شیراز تعدادی دیگر از دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی دارای هیأت امنا شدند که برخی از آن‌ها عبارتند از: مؤسسه عالی حسابداری (۹ آبان ۱۳۴۳)، مدرسه عالی ادبیات و زبان‌های خارجی (۷ آذر ۱۳۴۳)، مدرسه عالی دختران (۱۵ اسفند ۱۳۴۳)، دانشگاه صنعتی شریف (۱۸ دی ۱۳۴۴)، دانشکده نفت آبادان (۱۰ بهمن ۱۳۴۵) و مدرسه عالی پارس (۲۲ اسفند ۱۳۴۵).

بدین ترتیب، از اوایل دهه چهل شمسی، جوانه‌های هیأت‌های امنای دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی به صورت‌ها و ترکیب‌های پراکنده شروع به رویش کرد. هدف عمده از شکل‌گیری این هیأت‌های امنا در هر دانشگاه عبارت بود از نظارت بر فعالیت‌های علمی و آموزشی، تصمیم‌گیری درباره امور مالی، اداری و استخدامی و سازمانی دانشگاه‌ها.

به دنبال تشکیل «شورای مرکزی دانشگاه‌ها» در سال ۱۳۴۴ و تصویب «قانون تأسیس وزارت علوم و آموزش عالی» در بهمن سال ۱۳۴۶، در واقع قلمرو آموزش و پرورش عمومی از آموزش عالی متمایز و مشخص شد و رشد آموزش عالی در ابعاد آموزشی، ساختاری و کارکردی بیشتر شد و پیچیدگی وظایف و میزان نیازهای آن فزونی گرفت. همزمان «قانون تشکیل و اختیارات هیأت امنای دانشگاه تهران» در تیرماه ۱۳۴۶ به تصویب مجلسین وقت رسید و این هیأت جانشین «شورای دانشگاه» شد که پیش از این بدان اشاره شد.

با افزایش شمار دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی، از یک طرف و نیازهای روزافزون آن‌ها، از طرف دیگر، قوانین جدیدی در خصوص «هیأت امنای آموزش عالی» تصویب شد که عبارتند از:

۱. قانون هیأت‌های امنای مؤسسات عالی علمی دولتی، مصوب اسفند ماه ۱۳۵۰.



۲. قانون اصلاح پاره‌ای از مواد قانونی هیأت‌های امنای مؤسسات عالی علمی دولتی، مصوب ۱۶ مرداد ۱۳۵۳ (به منظور اصلاحاتی در قانون هیأت‌های امنای مؤسسات عالی علمی دولتی، مصوب ۲۱ اسفند ۱۳۵۰ در مجلسین وقت).

۳. تقدیم لایحه استقلال دانشگاه‌ها، اندک زمانی پیش از پیروزی انقلاب اسلامی (در تاریخ ۱۳۵۷/۶/۲۹).

در سال‌های نخست پس از پیروزی انقلاب اسلامی، پیروی از الگوی تمرکزگرایی سبب شد که تمامی هیأت‌های امنای آموزش عالی در تاریخ ۱۳۵۷/۱۲/۲۳ به موجب ماده واحده مصوب شورای انقلاب منحل شوند و فعالیت شورای مرکزی دانشگاه‌ها نیز متوقف شود. در عین حال، به منظور جلوگیری از توقف امور و رفع مشکلات و تسریع در گردش کارها، مقرر شد تا زمان تصویب قانون استقلال دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی، هیأتی سه نفره مرکب از وزیر فرهنگ و آموزش عالی، وزیر مشاور و رئیس سازمان برنامه و بودجه و وزیر طرح‌های انقلاب تشکیل شود. هیأت سه نفری مزبور که بعدها به «هیأت سه نفری جانشین هیأت‌های امنای» معروف شد، فعالیت خود را در سه کمیته منتخب کارشناسی اداری، مالی و بررسی و تجدید نظر و تدوین آیین‌نامه استخدامی، سازماندهی کرد، این هیأت در طول فعالیت خود بیش‌تر به مسائل جاری و روزمره در حوزه‌های مالی و معاملاتی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی، امور اداری و استخدامی و حقوق و دستمزد اعضای هیأت علمی پرداخته و از وارد شدن به حوزه‌های راهبردی و سیاستگذاری امتناع ورزیده است. فعالیت هیأت سه نفری جانشین هیأت‌های امنای (علی‌رغم تصویب «قانون تشکیل هیأت‌های امنای دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی» در سال ۱۳۶۷) تا پایان سال ۱۳۶۹ ادامه یافت.

در سال ۱۳۶۷، پس از گذشت ده سال از پیروزی انقلاب اسلامی و پشت سرگذاردن چندین سال تجربه انقلاب فرهنگی و در کنار آن فعالیت «ستاد انقلاب فرهنگی» و سپس «شورای عالی انقلاب فرهنگی»، با توجه به مقتضیات و شرایط جدید، اندیشه احیا و شکل‌گیری دوباره هیأت‌های امنای دانشگاه‌ها با هدف اعطای استقلال بیش‌تر به آن‌ها در خط‌مشی‌گذاری و تصمیم‌گیری، مورد توجه قرار گرفت و قوانین و مصوبات جدیدی در این زمینه ارائه شد که عبارتند از:

۱. قانون تشکیل هیأت‌های امنای دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی، مصوب سال ۱۳۶۷ مجلس شورای اسلامی

۲. اصلاح و تکمیل قانون تشکیل هیأت‌های امنای دانشگاه‌ها در رابطه با ترکیب هیأت‌های مذکور، مصوب دویست‌وسومین جلسه مورخ ۱۳۶۹/۱۱/۳۰ شورای عالی انقلاب فرهنگی،

۳. تشکیل موقت دو هیأت امنای مجزا برای دانشگاه‌های وابسته به وزارت فرهنگ و آموزش عالی و وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، مصوب دویست‌وسومین جلسه مورخ ۱۳۶۹/۱۱/۳۰ شورای عالی انقلاب فرهنگی،



۴. دستورالعمل نحوه بررسی و اعلام نظر در مورد صورتجلسات هیأت‌های امنای و کمیسیون‌های خاص هیأت‌های امنای دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی و ابلاغ مصوبات، مصوبه مورخ ۱۳۷۰/۱۰/۴.

۵. اصلاح ماده (۱) و ماده (۵) قانون تشکیل هیأت‌های امنای دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی، مصوب دویست و هفتاد و پنجمین جلسه مورخ ۱۳۷۱/۱/۲۵ شورای عالی انقلاب فرهنگی.
۶. شمول استفاده فرهنگستان‌ها از قانون تشکیل هیأت‌های امنای دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی، مصوب دویست و هفتاد و پنجمین جلسه مورخ ۱۳۷۱/۱/۲۵ شورای عالی انقلاب فرهنگی.

(

تا سال ۱۳۵۳ (زمان تصویب «قانون پاره‌ای از مواد قانون هیأت‌های امنای مؤسسات عالی علمی دولتی») که وزارت علوم و آموزش عالی مکلف به تشکیل هیأت امنایی با ترکیب و وظایف یکسان برای هر یک از دانشگاه‌ها اعم از دولتی و غیردولتی و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی دولتی شد، در مورد اداره و هدایت دانشگاه‌های کشور قوانین و مقررات یکسان و هماهنگی وجود نداشت و این مؤسسات دارای نظام واحد و مشابهی نبودند. آن‌ها با توجه به اختیارات هیأت امنای سازمان اداری، ضوابط و مقررات خاص خود بودند و لزوماً از شکل واحدی پیروی نمی‌کردند. در این مقطع، هیأت‌های مزبور دارای وظایف و اختیارات گسترده‌ای بودند و در بسیاری از موارد به‌طور مستقل عمل می‌کردند؛ اما با تصویب «قانون پاره‌ای از مواد قانون هیأت‌های امنای مؤسسات عالی علمی دولتی» در سال ۱۳۵۳ از میزان اختیارات و وظایف آن‌ها کاسته شد.

چنان‌که طبق این قانون، هیأت‌های امنای در انجام دادن وظایف عمده خود، مانند تصویب سازمان اداری، رسیدگی و تصویب بودجه، تصویب مقررات استخدامی هیأت علمی و ... ملزم به رعایت ضوابط تهیه و تنظیم شده توسط شورای مرکزی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی کشور و تأیید شده برحسب مورد توسط سازمان امور اداری و استخدامی کشور، سازمان برنامه و بودجه، شورای حقوق و دستمزد، وزارت امور اقتصادی و دارایی و وزارت علوم و آموزش عالی شدند، در صورتی که قبلاً در این مورد به طور مستقل تصمیم‌گیری می‌کردند.

با تصویب «قانون تشکیل هیأت‌های امنای دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی» در سال ۱۳۶۷ باز هم از وظایف و اختیارات هیأت‌های امنای کاسته شد؛ به طوری که پیش از انحلال هیأت‌های امنای دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی، اعم از دولتی و غیردولتی و خصوصاً در سال ۱۳۵۷، آن‌ها براساس شرح وظایف قانونی خود، رسماً از حق پیشنهاد انتصاب رئیس مؤسسه‌شان برخوردار بودند. این پیشنهاد پس از درخواست وزیر علوم و آموزش عالی از شاه و براساس فرمان وی عملی می‌شد؛ اما پس از انقلاب اسلامی، وزیران علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، موظف به معرفی افراد صاحب صلاحیت برای احراز مقام ریاست دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی شدند تا پس از کسب موافقت شورای عالی انقلاب فرهنگی، حکم رئیس دانشگاه یا مؤسسه مورد نظر را



صادر و ابلاغ کنند. گفتنی است دست وزیران مزبور در گزینش نامزد مورد نظر خود باز است. این وزیران حتی می‌توانند رؤسای دانشگاه و مؤسسات آموزش عالی را، البته پس از کسب موافقت و تأیید رئیس شورای عالی انقلاب فرهنگی، برکنار کنند.

همچنین اختیارات دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی در خصوص تصویب سازمان اداری خود، در مقایسه با گذشته کاهش یافته است؛ چنان‌که مطابق بند ۷ قانون سال ۱۳۶۷، این مؤسسات می‌توانند سازمان اداری خود را تنها براساس ضوابط پیشنهادی وزارتخانه‌های مربوط با هماهنگی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی تصویب کنند، در حالی که در گذشته این مؤسسات سازمان اداری خود را براساس ضوابط تهیه شده شورای مرکزی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی که به تأیید وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و سازمان امور اداری و استخدامی کشور می‌رسید، تصویب می‌کردند.

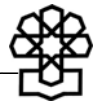
دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی تا پیش از انحلال هیأت‌های امنای دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی در سال ۱۳۵۷، از نظر امور مالی و معاملاتی اختیارات گسترده‌ای داشتند؛ چنان‌که مطابق «قانون تشکیل و اختیارات هیأت امنای دانشگاه تهران» (مصوب ۱۳۴۶):

۱. معاملات دانشگاه و مؤسسات تابعه آن خارج از شمول مقررات و آیین‌نامه معاملات دولتی و قانون محاسبات عمومی بود و طبق آیین‌نامه مصوب هیأت امنای صورت می‌گرفت،
۲. بودجه دانشگاه تهران و مؤسسات تابعه به‌عنوان «کمک» در بودجه کل کشور منظور می‌شد،
۳. وزارت دارایی در اول هر سه ماه اعتبار سه ماهه به مأخذ $\frac{3}{12}$ بودجه مصوب را کلاً در اختیار دانشگاه و نیز دانشکده پزشکی قرار می‌داد.

نکته قابل توجه این‌که هر سه مورد بالا تقریباً با برخی اصلاحات، در کلیه قوانین و مقررات مالی و معاملاتی دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی و پژوهشی کشور از آن زمان تاکنون ذکر شده است. در «قانون هیأت‌های امنای مؤسسات عالی علمی دولتی» مصوب ۱۳۵۰، تقریباً بیش‌تر مقررات امور مالی و معاملاتی دانشگاه تهران ملحوظ شده است. براساس این قانون، مؤسسات مزبور، بجز در مورد ذی‌حسابی موضوع ماده ۲۴ قانون محاسبات عمومی، مشمول سایر مقررات قانون مزبور و آیین‌نامه معاملات دولتی و سایر قوانین و مقررات مربوط به مؤسسات دولتی که در قانون سال ۱۳۴۶ به‌طور کلی ذکر شده بود، نبودند.

براساس «قانون پاره‌ای از مواد قانون هیأت‌های امنای مؤسسات عالی علمی دولتی» مصوب ۱۳۵۳، تصویب آیین‌نامه‌های مالی و معاملاتی که براساس قانون مصوب سال ۱۳۵۰ در اختیار هیأت‌های امنای بود، مشروط به تطابق با ضوابط تهیه شده از سوی شورای مرکزی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی کشور و تأیید شده از طرف وزارت علوم و آموزش عالی، وزارت امور اقتصادی و دارایی و سازمان برنامه و بودجه شد.

سرانجام این که سازمان برنامه و بودجه از زمان تأسیس هیأت‌های امنای تا پایان سال ۱۳۵۷ به صورت «کمسیون کمک‌ها» عمل می‌کرد؛ بدین معنی که ضمن دریافت بودجه‌های پیشنهادی دانشگاه‌ها و



مؤسسات آموزش عالی، با توجه به امکانات کشور، بخشی از اعتبارات را به آنها اختصاص می‌داد. این اعتبارات پس از تصویب هیأت دولت و مجلس شورای ملی وقت در اختیار دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی قرار می‌گرفت و با نظر هیأت امانا هزینه می‌شد.

اما براساس تبصره ۳۳ قانون بودجه سال ۱۳۵۸ شورای انقلاب اسلامی ایران همه دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی تابع قوانین عمومی کشور شدند.

براساس تبصره یاد شده، اعتبارات بودجه دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی - برخلاف قانون هیأت‌های امنای سابق - از صورت «کمک» خارج شد و در ردیف اعتبارات بودجه سایر وزارتخانه‌ها و ادارات دولتی قرار گرفت. بدین ترتیب اختیارات رؤسای دانشگاه‌ها برای هزینه بودجه، بسیار محدود و آزادی عمل آنان در نحوه هزینه کردن بودجه سالانه سلب شد؛ اما به دنبال اعتراضات گسترده دانشگاهیان، هیأت وزیران در جلسه مورخ ۱۳۶۳/۳/۲۰ خود آیین‌نامه‌ای را تصویب کرد که عمده‌ترین ویژگی آن حذف نظام ذی‌حسابی از تشکیلات مالی دانشگاه‌ها بود. با وجود این، در پی برخی تحولات، مجلس شورای اسلامی در ۱۳۶۳/۱۰/۳۰ به هنگام بحث در مورد تعبیر و تفسیر ماده (۲۳) قانون تأسیس دانشگاه بین‌المللی اسلامی (امام خمینی (ره))، این دانشگاه و سایر دانشگاه‌ها را مشمول قانون محاسبات عمومی کشور کرد.^۱

تصویب این ماده واحده، در واقع، باعث لغو آیین‌نامه مزبور گردید و راه معافیت از شمول قانون محاسبات عمومی را بر دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی بست.

در مورد درآمدهای اختصاصی نیز دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی تا سال ۱۳۶۳ هیچ‌گونه مجوزی برای استفاده از درآمدهای خود نداشتند؛ اما از تاریخ مذکور به استناد قانون ساعات آزاد استادان و مدرسان دانشگاه‌ها و درآمد کارگاه‌ها (مصوب سال ۱۳۶۳) و اصلاحیه آن (مصوب سال ۱۳۶۵ مجلس شورای اسلامی) مجاز به استفاده از ۵۰ درصد بعضی از درآمدهای خود به عنوان درآمد اختصاصی گردیدند. گرچه تصویب «قانون هیأت‌های امنای دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی» در سال ۱۳۶۷ که اعتبارات دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی را به صورت «کمک» در نظر گرفته [ماده ۸] و تصریح کرده بود که «امور مالی و معاملاتی مؤسسات جز در مورد ذی‌حسابی موضوع ماده ۳۱ قانون محاسبات عمومی، مشمول سایر مقررات قانون مزبور و آیین‌نامه معاملات دولتی و سایر قوانین مربوط به مؤسسات دولتی نخواهد بود» [ماده ۹]، تلاشی برای ارتقای جایگاه سازمانی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی در جهت کاهش وابستگی آنها به دستگاه‌های اجرایی قابل ارزیابی بود؛ اما وجود اختلاف نظر در بین دستگاه‌های اجرایی و نظارتی کشور درباره این قانون موجب شده بود که تا زمان تصویب «قانون نحوه انجام امور مالی و معاملاتی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و تحقیقاتی» و تصریح مجدد این دو ماده، قانون مذکور اجرا نشود.

۱. عرب مازار، علی‌اکبر، نگرشی سیستمی به مسائل آموزش عالی در ایران، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۱، ص



این قانون به دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی اجازه می‌دهد تا اعتبارات جاری و عمرانی خود را مطابق با نیازها و اولویت‌های مربوط هزینه کنند. اعتبارات دانشگاه‌ها بدین وسیله از اعتبارات سایر دستگاه‌های دولتی متمایز و جایگاه متفاوتی برای آن‌ها در بودجه کل کشور در نظر گرفته شد. مطابق این قانون، اعتبارات جاری و عمرانی و همچنین اعتبارات اختصاصی (درآمدهای اختصاصی) دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی سالانه «صرفاً در قالب برنامه و طرح به صورت کمک در بودجه کل کشور» [ماده ۱۲] ارائه خواهند شد که بدین ترتیب نحوه هزینه کردن آن‌ها از شمول «قانون محاسبات عمومی کشور» خارج خواهد گردید. با وجود این، ماده ۳۱ قانون محاسبات عمومی کشور درباره نظارت ذی‌حساب، از این امر استثناء شده است.

با تصویب این قانون امید زیادی به وجود آمده بود مبنی بر این‌که از این پس در امور مالی و معاملاتی دانشگاه‌ها و نحوه هزینه کردن بودجه سالانه مؤسسات آموزش عالی گشایش عمده‌ای ایجاد خواهد شد؛ اما اختلاف نظر وزارتخانه‌ها، نهادها، ادارات و سازمان‌های مختلف بر سر اعتبار قانونی مصوبات هیأت‌های امناء، به ویژه مصوباتی که بار مالی دارند، تحقق این امر را با دشواری‌هایی مواجه کرد که در جای خود از آن بحث خواهد شد.

این اختلاف نظر میان دستگاه‌های اجرایی علی‌رغم تأکید مواد ۹ و ۱۰ قانون نحوه انجام امور مالی و معاملاتی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و تحقیقاتی که رسیدگی به امور مالی و معاملاتی دانشگاه‌ها و نیز تدوین آیین‌نامه‌های مربوط بدان‌ها را از آغاز سال ۱۳۷۰ به عهده هیأت‌های امنای دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی گذاشته است، تا تصویب قانون بودجه سال ۱۳۷۷ همچنان به عنوان مانعی بر سر راه هیأت‌های امناء و مدیران دانشگاه‌ها به شمار می‌رفت و در این سال‌ها موجب کاهش توان تصمیم‌گیری آن‌ها شده بود؛ اما سرانجام مجلس شورای اسلامی به پیشنهاد دولت جمهوری اسلامی ایران در بند «ی» از تبصره ۱۷ قانون بودجه سال ۱۳۷۷ کل کشور، این تناقض یا ناهماهنگی را برای سال ۱۳۷۷ برطرف کرد؛ زیرا در این تبصره به دانشگاه‌ها و مؤسسات پژوهشی اجازه داده شده بود که کلیه اعتبارات جاری، عمرانی و اختصاصی خود را در چارچوب اختیارات قانون تشکیل هیأت‌های امنای دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی مصوب سال ۱۳۷۷ هزینه کنند.

این روند قانونی در بند «ط» از تبصره ۱۷ قانون بودجه سال ۱۳۷۸ کل کشور نیز مجدداً به تصویب رسید.

در مقایسه بین ترکیب اعضای هیأت‌های امنای دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی پیش از انحلال این هیأت‌ها در سال ۱۳۵۷ و قانون تشکیل هیأت‌های امنای دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی مصوب سال ۱۳۶۷، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. اختیار وزیر علوم، تحقیقات و فناوری برای اعزام نماینده تام‌الاختیار خود برای شرکت در جلسات هیأت‌های امناء از او گرفته شد.

۲. دبیر کل شورای مرکزی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی کشور، به دلیل انحلال این شورا، از ترکیب هیأت امناء خارج شد. گفتنی است که در لایحه وزارت علوم، تحقیقات و فناوری که کلیات آن به



تصویب مجلس رسید، بار دیگر بر احیای شورای مرکزی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی کشور تأکید شد.

۳. مدت عضویت اعضای هیأت‌های امنا از ۳ سال به ۶ سال افزایش یافت.

۴. استاندار یا رئیس انجمن استان، از ترکیب اعضای هیأت امنای دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی خارج از تهران، خارج شده‌اند.

۵. ریاست هیأت‌های امنا را یا مستقیماً خود شاه منصوب می‌کرد یا به درخواست وزیر علوم و آموزش عالی، به این کار مبادرت می‌ورزید؛ اما در حال حاضر ریاست هیأت‌های امنا بر عهده وزیران علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی است.

۶. تعداد شخصیت‌های علمی، فرهنگی یا اجتماعی در ترکیب اعضای هیأت‌های امنا از حداکثر ۴ نفر به حداکثر ۶ نفر افزایش یافت که ۲ تن از آنان حتماً باید از اعضای هیأت علمی باشند.

۷. اعضای هیأت امنا در گذشته (پیش از انحلال هیأت‌های امنا در سال ۱۳۵۷) فقط مجاز به عضویت در یک هیأت امنا بودند، اما در حال حاضر عضویت افراد در دو هیأت امنا مجاز است.

پس از بررسی تحلیلی از سیر تطور قوانین هیأت‌های امنای دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی، نقش و عملکرد و تغییرات ایجاد شده در آن‌ها، اکنون پاسخ به دو سؤال ذیل ضروری به نظر می‌آید:

چنان که گفته شد، تاکنون قوانین زیادی از تصویب قوه قانونگذاری، چه پیش از انقلاب و چه پس از آن، گذشت و مصوبات بسیاری نیز در این خصوص ارائه شد. اکنون جای این پرسش باقی است که قانون کنونی هیأت‌های امنا تا چه حد برطرف کننده نیازهای دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی است.

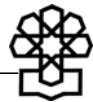
برای پاسخ‌گویی به این پرسش باید به دو محور عمده توجه کرد؛ یکی فلسفه وجودی هیأت‌های امنای آموزش عالی و دیگری مقایسه قوانین مصوب پیشین مربوط به هیأت‌های امنای آموزش عالی با قانون کنونی.

فلسفه وجودی هیأت‌های امنای آموزش عالی را می‌توان با مسئولیت‌ها و وظایفی که برای این هیأت‌ها تعریف می‌شود، تبیین کرد. به طور کلی، شالوده وظایف ویژه هیأت‌های امنای دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی، مسئولیت‌شان در قبال تضمین ادامه حیات دراز مدت آن‌ها، تضمین تداوم، ثبات و انسجام آن‌ها است. با این مقدمه، در اینجا به برخی از وظایف و مسئولیت‌های هیأت‌های امنای دانشگاه‌ها اشاره می‌شود:

۱. تبیین رسالت دانشگاه، از طریق تعریف ارزش‌ها و مقاصد دانشگاه و تعیین مخاطبان درجه اول آن.



۲. تضمین برنامه‌ریزی دراز مدت دانشگاه، با نظارت بر برنامه‌ریزی اعضای هیأت علمی، مدیریت و دیگر گروه‌های ذی‌نفع در همه سطوح برای آینده دراز مدت دانشگاه در چارچوب رسالت تعیین شده برای آن.
۳. تصویب برنامه‌های آموزشی، با تصویب سیاست‌های مرتبط با کارکنان علمی و فرایندهای آن، حصول اطمینان از سازگاری برنامه‌های آموزشی با رسالت و مقاصد مؤسسه، حصول اطمینان از بازتاب اولویت‌های علمی در بودجه و حصول اطمینان از برقرار شدن فرایندهای لازم برای بازنگری‌های دوره‌ای و ارزیابی برنامه‌ها و کارکنان.
۴. تضمین منابع کافی، از جمله بخشش یا هدایای شخصی، مساعدت در تجهیز منابع از راه تصویب طرح تجهیز منابع، شناسایی و تشویق کمک‌کنندگان خصوصی و جلب حمایت بنیادها، صنایع و در مورد مؤسسات عمومی، مسئولان محلی و مجامع قانونگذاری، تصویب بودجه و حصول اطمینان از متعادل بودن بودجه.
۵. مدیریت مؤثر منابع، با نظارت بر هزینه‌ها، تأیید انتخاب مدیران امور مالی برای نظارت بر سرمایه‌گذاری‌ها و امور اوقاف، و حصول اطمینان از توسعه و نگهداری تسهیلات فیزیکی کافی برای ارائه برنامه‌های آموزشی.
۶. انجام دادن وظیفه در نقش یک پلی ارتباطی بین دانشگاه و جامعه، با تحلیل نیازهای پیش‌بینی‌پذیر حال و آینده جامعه به منظور اطمینان از پاسخگویی دانشگاه به این نیازها و اعتلای وجهه عمومی دانشگاه در جامعه.
۷. ظاهر شدن در نقش یک سپر نگهدارنده و محافظ در برابر کشمکش‌ها یا تغییرات بسیار سریع خواسته‌های بیرون و گروه‌هایی که درصدد استفاده از دانشگاه برای خواسته‌های سیاسی یا مسلکی خود هستند.
۸. پاسداری از استقلال دانشگاه، با حمایت از آزادی‌های علمی اعضای هیأت علمی، فراهم آوردن زمینه و ایجاد فضا برای دانشجویان، پژوهشگران، اندیشمندان و ... به منظور پرداختن به تفکر غیروابسته و پاسداری از استقلال دانشگاه در برابر زیاده‌خواهی دولت و گروه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی و ..
۹. نصب و عزل رئیس دانشگاه و نظارت بر عملکرد او، همچنین پشتیبانی از وی در صورت نیاز.
۱۰. نظارت بر عملکرد رؤسا، اعضای هیأت علمی، مدیران امور مالی و دیگران، ارزیابی عملکرد خود هیأت‌امنا و کلیت مؤسسه در رسیدن به اهداف و تحقق رسالت‌های آن.
۱۱. انجام وظیفه در نقش یک دادگاه تجدید نظر، بدین معنا که هیأت‌امنا آخرین مرجع قانونی قدرت در داخل یک دانشگاه است که تصمیمات آن از نظر حقوقی نمی‌تواند مورد اعتراض قرار گیرد، مگر از طریق دادگاه یا مرجع قانونگذاری.
۱۲. ارتباط با گروه‌های ذی‌نفع در داخل دانشگاه، شامل رئیس دانشگاه، تشکیلات اجرایی، هیأت علمی، دانشجویان، کارکنان و دانش‌آموختگان.



۱۳. ارتباط با گروه‌های ذی‌نفع یا تأثیرگذار خارج از دانشگاه، مانند اهدا کنندگان کمک‌های مالی، مقامات محلی یا استانی یا کشوری، فرمانداران، احزاب سیاسی، رسانه‌های گروهی، مراکز دینی، بنیادهای خصوصی، انجمن‌های آموزش عالی، انجمن‌های خیریه، صاحبان حرف‌گوناگون و نهادهای صادرکننده مجوز.

چنانچه وظایف و مسئولیت‌های سیزده‌گانه بالا را مهم‌ترین وظایف و مسئولیت‌های هیأت‌های امنای آموزش عالی بدانیم، با مرور وظایف و اختیارات هیأت‌امنا در قانون فعلی، درخواستیم یافت که این قانون نقش‌چندانی برای هیأت‌های امنای برای برنامه‌ریزی جامع و توسعه دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی، بررسی و تصویب سیاستگذاری‌های آموزشی، پژوهشی، فرهنگی و اجتماعی دانشگاه، تصویب برنامه‌های آموزشی، تضمین منابع کافی و مدیریت مؤثر منابع، پاسداری از استقلال دانشگاه، نصب و عزل رئیس دانشگاه و ارزیابی عملکرد او، نظارت بر عملکرد مدیران مالی و کلیت دانشگاه در رسیدن به اهداف ارپیش تعیین شده و تحقق رسالت‌های آن قائل نشده است.

اندک اختیارات تعیین شده برای هیأت‌امنا در خصوص بررسی و تصویب بودجه مؤسسه، تصویب حساب‌ها و ترازنامه مؤسسه، تصویب نحوه وصول درآمدهای اختصاصی و مصرف آن، تعیین حسابرس و خزانه‌داری برای مؤسسه، تصویب آیین‌نامه‌های مالی و معاملاتی و مسائل مربوط به حقوق و دستمرد اعضای هیأت‌علمی و غیر هیأت‌علمی، نیز چنان در چنبره مداخلات، مصوبات و تأییدات دیگر نهادهای برون سازمانی، مانند سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، شورای عالی انقلاب فرهنگی، وزارت امور اقتصادی و دارایی و... قرار داده شده که عملاً اجرای این وظایف و مسئولیت‌ها را غیرممکن ساخته است. بنابراین، قانون فعلی هیأت‌امنا دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی از این حیث، با شرایط مطلوب فاصله زیادی دارد و نمی‌تواند پاسخگوی نیازهای اساسی و متنوع دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی باشد.

می‌توان به یک نکته کلی و عمده اشاره کرد که در گذشته هیأت‌های امنای دارای وظایف و اختیارات گسترده‌تری بودند و در بسیاری موارد به صورت مستقل عمل می‌کردند؛ اما هرچه از عمر این هیأت‌ها می‌گذشت، علی‌رغم نیازهای روزافزون و متنوع جامعه، از یک سو و مسئولیت خطیر دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی برای پاسخ‌گویی به این نیازها، همواره از میزان اختیارات و مسئولیت‌های هیأت‌های امنای کاسته می‌شد. این امر، به خصوص پس از انقلاب تشدید شد.

با تصویب قانون فعلی هیأت‌های امنای دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی در سال ۱۳۶۷، این هیأت‌ها پاره‌ای از اختیارات و مسئولیت‌های خود را از دست دادند؛ چنان‌که آن‌ها پیش از انحلال هیأت‌امنا دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی در سال ۱۳۵۷، براساس شرح وظایف خود، رسماً از حق پیشنهاد انتصاب رئیس دانشگاه برخوردار بودند؛ اما پس از انقلاب اسلامی، این حق به وزیران علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت درمان و آموزش پزشکی واگذار شد. وزیران مزبور، پس از کسب موافقت و تأیید رئیس شورای عالی انقلاب فرهنگی، قدرت برکناری رؤسای دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش



عالی را نیز دارند. همچنین، اختیارات هیأت‌های امنای دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی در خصوص تصویب سازمان اداری خود، در مقایسه با گذشته کاهش یافته است؛ چنان که مطابق بند «۷» قانون اساسی ۱۳۶۷، این مؤسسات می‌توانند سازمان اداری‌شان را تنها براساس ضوابط پیشنهادی وزارتخانه‌های مربوط با هماهنگی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی تصویب کنند؛ این بدین معناست که با تصویب قانون فعلی، امکان دخالت و تأثیرگذاری نهادها و سازمان‌های بیرون از دانشگاه‌ها در تصویب سازمان اداری آن‌ها بیشتر شد.

دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی تا پیش از انحلال هیأت‌های امنای دانشگاه‌ها در سال ۱۳۵۷، از نظر مالی و معاملاتی اختیارات گسترده‌ای داشتند و بجز در مورد ذی‌حساب موضوع ماده (۲۴) قانون محاسبات عمومی، مشمول سایر مقررات این قانون (قانون محاسبات عمومی) و آیین‌نامه معاملات دولتی و دیگر قوانین و مقررات مربوط به مؤسسات دولتی نبودند و سازمان برنامه و بودجه از زمان تأسیس هیأت‌های امنای دانشگاه‌ها تا پایان سال ۱۳۵۷، در واقع به صورت «کمیسون کمک‌ها» عمل می‌کرد؛ بدین معنا که ضمن دریافت بودجه‌های پیشنهادی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی، با توجه به امکانات کشور، بخشی از اعتبارات را به آن‌ها اختصاص می‌داد. این اعتبارات پس از تصویب هیأت دولت و مجلس شورای ملی وقت در اختیار دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی قرار می‌گرفت و با نظر هیأت امنای هزینه می‌شد؛ اما پس از انقلاب، براساس تبصره «۳۳» قانون بودجه سال ۱۳۵۸ شورای انقلاب، همه دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی تابع قوانین عمومی کشور شدند، و این آغاز ماجرای بود برای یک مناقشه دراز مدت بین وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی، از یک طرف و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و وزارت امور اقتصادی و دارایی از طرف دیگر. گرچه به دنبال اعتراض گسترده دانشگاهیان، هیأت وزیران در تاریخ ۱۳۶۳/۳/۲۰ با تصویب یک آیین‌نامه، نظام ذی‌حساب را از تشکیلات مالی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی حذف کرد، در پی برخی تحولات، بار دیگر مجلس شورای اسلامی در همان سال (۱۳۶۳/۱۰/۳۰) این مؤسسات را مشمول قانون محاسبات عمومی کشور کرد. گرچه تصویب‌نامه فعلی هیأت‌های امنای در سال ۱۳۶۷ که اعتبارات دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی را به صورت «کمک» (ماده ۸) در نظر گرفته و تصریح کرده بود که «امور مالی در معاملاتی مؤسسات جز در مورد ذی‌حساب موضوع ماده (۳۱) قانون محاسبات عمومی، مشمول سایر مقررات قانون مزبور و آیین‌نامه معاملات دولتی و سایر قوانین مربوط به مؤسسات دولتی نخواهد بود» (ماده ۹)، کوششی برای ارتقای جایگاه سازمانی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی در جهت کاهش وابستگی آن‌ها به دستگاه‌های اجرایی قابل ارزیابی بود، وجود اختلاف نظر در بین دستگاه‌های اجرایی و نظارتی کشور درباره این قانون موجب شد که تا زمان تصویب در قانون نحوه انجام امور مالی و معاملاتی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و تحقیقاتی» و تصریح مجدد این دو ماده، قانون مذکور اجرا نشود.

با تصویب این قانون امید زیادی به وجود آمده بود مبنی بر این که از این پس در امور مالی و معاملاتی دانشگاه‌ها و نحوه هزینه کردن بودجه سالانه مؤسسات آموزش عالی گشایش عمده‌ای ایجاد



خواهد شد؛ اما اختلاف نظر وزارتخانه‌ها، نهادها، ادارات و سازمان‌های مختلف بر سر اعتبار قانونی مصوبات هیأت‌امنا، تحقق این امر را با دشواری‌هایی مواجه ساخت که در جای خود از آن بحث خواهد شد. بدین ترتیب، با کاهش اختیارات و مسئولیت هیأت‌های امنای دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی در قانون فعلی نسبت به قوانین گذشته، علی‌رغم نیازهای جدید جامعه و لزوم پاسخگویی دانشگاه‌ها به آن‌ها، این قانون نمی‌تواند برطرف‌کننده تمامی نیازهای دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی باشد.

قانون تشکیل هیأت‌های امنای دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی که در سال ۱۳۶۷ به تصویب رسید، شامل یازده ماده است.

از جمله نقاط قوت این قانون، می‌توان به مواد (۸) و (۹) آن اشاره کرد که اعتبارات دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی را به صورت «کمک» در نظر گرفته و تصریح کرده‌اند که «امور مالی و معاملاتی مؤسسات جز در مورد ذی‌حساب موضوع ماده (۳۱) قانون محاسبات عمومی، مشمول سایر قانون مزبور و آیین‌نامه معاملاتی دولتی و سایر قوانین مربوط به مؤسسات دولتی نخواهد بود».

در مورد نقاط ضعف قانون فعلی هیأت‌های امنای می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. این قانون نتوانسته برنامه‌ریزی جامع و توسعه دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی و نیز سیاستگذاری‌های آموزشی، پژوهشی، فرهنگی و اجتماعی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی را در هیأت‌های امنای متمرکز سازد و از دخالت غیرضرور و تأثیرگذاری مراجع مستقل و ناهماهنگ مؤثر در تصویب قوانین و مقررات دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزشی و پژوهشی بکاهد.

۲. این قانون حتی با برجسته‌سازی نقش نهادهایی مثل سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، وزارت امور اقتصادی و دارایی و شورای عالی انقلاب فرهنگی، در تصویب سازمان اداری دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و نیز امور مالی و معاملاتی آن‌ها، وظایف و مسئولیت‌های هیأت‌های امنای را تحت‌الشعاع قرار داده است.

۳. قانون فعلی نتوانسته اختیارات و مسئولیت‌های گذشته هیأت‌های امنای دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی را، مانند پیشنهاد انتصاب رئیس دانشگاه، به آن‌ها برگرداند.

۴. بین این قانون و دیگر قوانین و مقررات مربوط، هماهنگی و انسجام لازم و کافی وجود ندارد؛ به عبارت دیگر، رابطه بین قانون فعلی هیأت‌های امنای دانشگاه‌ها و دیگر قوانین مربوط به روشنی تعریف نشده است. این مسأله موجب شده که دیگر دستگاه‌های اداری و اجرایی با برداشت‌های خاص خود از برخی قوانین، بر سر راه اجرای مصوبات هیأت‌های امنای، به ویژه آن دسته از مصوبات هیأت‌های امنای که بار مالی دارند، موانعی ایجاد کنند.

۵. ضعف عمده دیگر قانون فعلی هیأت‌های امنای دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی این است که برای اجرای مصوبات هیأت‌های امنای، قدرت و ضمانت اجرایی کافی در نظر نگرفته است، که این



نافذ نبودن این مصوبات در مراجع ذیصلاح و تمکین نکردن آن‌ها در برابر مصوبات این هیأت‌ها را در پی دارد.

۶. مشخص نبودن شرح وظایف و تقسیم نشدن کارها میان اعضای هیأت‌های امنای و مشورتی بودن عضویت در آن‌ها، فقدان پست‌های سازمانی برای کارکنان هیأت‌های امنای و قرار گرفتن وزیر متبوع در رأس هیأت امنای، علی‌رغم مشغله زیاد و نداشتن زمان کافی برای امور هیأت‌های امنای را می‌توان از دیگر ضعف‌های این قانون دانست.

پس از بررسی اجمالی قوانین موجود، نقاط ضعف و قوت و میزان تناسب آن‌ها با نیازهای دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی و پژوهشی، نوبت بررسی ساختار فعلی، کیفیت روابط بین نهادی، وظایف، اختیارات و عملکردهای هیأت امنای در حال حاضر، می‌باشد، که در بخش‌های آتی به آن می‌پردازیم.

(

در حال حاضر، حدود هفتاد دانشگاه، پژوهشگاه، پژوهشکده و مؤسسه آموزش عالی و پژوهشی وابسته به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، دارای هیأت امنای هستند.

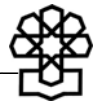
وزارت علوم، تحقیقات و فناوری نیز مطابق قانون مربوط و با توجه به نقش ستاد خودی در زمینه‌های سیاستگذاری، برنامه‌ریزی، تشخیص اولویت‌ها، پشتیبانی، هماهنگی، نظارت و ارزیابی و به منظور ایجاد وحدت رویه و همسانی مصوبات، مبادرت به تشکیل شورای هیأت‌های امنای کرده است. این شورا که در وزارتخانه مستقر است، به منزله بازوی هماهنگی و کارشناسی همه هیأت‌های امنای عمل می‌کند.

اعضای این شورا، عبارتند از: دبیران هیأت‌های امنای (رؤسای دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی) و رؤسای کمیسیون دائمی (معاونان وزارتخانه) شورای هیأت‌های امنای دارای سه کمیته فرعی، به نام‌های «کمیته تخصصی حقوقی»، «کمیته تخصصی بودجه و تشکیلات» و «کمیته تخصصی اداری و مالی» است. دستور کار هیأت‌های امنای در ابتدا در کمیته‌های سه‌گانه مورد بررسی قرار می‌گیرد و سپس در دستور کار شورای هماهنگی و آنگاه هیأت‌های امنای گذارده می‌شود. کمیسیون‌های دائمی نیز وظیفه یکسان‌سازی و ایجاد هماهنگی میان کلیه مصوبات هیأت‌های امنای را برعهده دارند.

براساس آیین‌نامه داخلی هیأت‌های امنای، آن‌ها حداقل دو تا سه بار در سال به طور عادی تشکیل جلسه می‌دهند. جلسه‌های فوق‌العاده هیأت‌های امنای در مواقع ضروری، بنابر تقاضای یک تا سه تن از اعضای آن‌ها و موافقت رئیس تشکیل خواهد شد. مطابق ماده (۳) قانون هیأت امنای ریاست آن برعهده وزیر علوم، تحقیقات و فناوری است.

(

ترکیب اعضای هیأت امنای دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی، مطابق قانون مصوب سال ۱۳۶۷ عبارتند از:



الف) وزیر علوم، تحقیقات و فناوری

ب) رئیس مؤسسه، ج) چهار تا شش تن از شخصیت‌های علمی و فرهنگی یا اجتماعی محلی و کشوری که نقش مؤثری در توسعه و پیشرفت مؤسسه مربوطه داشته باشند،

د) رئیس یا نماینده سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور گفتنی است حداقل دو تن از شخصیت‌های مورد اشاره در بند «ج» باید از اعضای هیأت علمی باشند.

به نظر می‌رسد ترکیب کنونی اعضای هیأت‌های امنا به نسبت مناسب باشد؛ اما در عین حال به منظور تقویت آن، می‌توان تجدید نظری در ترکیب اعضا به عمل آورد و شخصیت‌های دیگری را برای عضویت در هیأت‌های امنا پیشنهاد کرد:

۱. افرادی که خدمات ارزنده‌ای به مؤسسه ارائه می‌کنند،

۲. استانداران استان مربوط،

۳. نماینده اعضای هیأت علمی،

۴. نماینده دانشجویان،

۵. وزیر یا نماینده وزارت علوم اقتصادی و دارایی،

۶. رئیس یا نماینده دیوان محاسبات عمومی کشور،

۷. نماینده مدیران ارشد صنایع،

۸. رئیس یا یکی از اعضای برگزیده شورای اسلامی شهر،

۹. یکی از مدیران با تجربه بنگاه‌های اقتصادی.

(

مطابق ماده (۳) قانون هیأت‌های امنا، ریاست هیأت امنای مؤسسه برحسب مورد به عهده وزیر علوم، تحقیقات و فناوری یا بهداشت، درمان و آموزش پزشکی خواهد بود. ماده (۴) این قانون، رئیس مؤسسه مربوط را «دبیر هیأت امنا» معرفی کرده است. به جز اعضای ثابت هیأت‌های امنا، مصرح در قانون، اعضای غیرثابت (شخصیت‌های علمی و فرهنگی یا اجتماعی محلی و کشوری موضوع بند «ج» همین قانون) «به پیشنهاد وزیر مربوط و بنا به تصمیم رئیس شورای عالی انقلاب فرهنگی به جلسه شورای عالی جهت بررسی و تصمیم‌گیری مشورتی معرفی شده و ریاست جمهوری بر مبنای نتیجه حاصل از شورا احکام مربوط را برای ۴ سال عضویت در هیأت‌های مذکور امضا می‌کند. اعضای مذکور در یک زمان حداکثر می‌توانند عضویت در دو هیأت امنا را دارا باشند و انتخاب مجدد ایشان بلامانع است».

«رئیس شورای عالی به منظور تسریع در پیشرفت کار می‌تواند بنا به تشخیص خود چند نفر را به

جای شورای عالی مأمور انجام بررسی و تصمیم‌گیری مشورتی کند».

با تأمل در شیوه انتخاب رئیس و اعضای هیأت‌های امنا موارد زیر قابل توجه و بررسی است:

۱. مشغله زیاد وزیر متبوع در مقام رئیس هیأت امنا باعث می‌شود که وی زمان کافی برای پرداختن

به امور هیأت‌های امنا نداشته باشد. مسلماً این امر از کارایی این هیأت‌ها خواهد کاست. بنابراین، پیشنهاد



می‌شود رئیس دانشگاه یا مؤسسه مربوط، ریاست هیأت امنای آن دانشگاه یا مؤسسه را برعهده بگیرد؛ منتها امور مربوط به هیأت امنای را با هماهنگی کامل وزیر متبوع انجام دهد.

۲. نقش زیاد وزیر متبوع و شورای عالی انقلاب فرهنگی و به تبع آن رئیس این شورا در برگزیدن اعضای غیرثابت هیأت امنای، باعث می‌شود که اعضای برگزیده، در مواردی مورد تأیید دانشگاه یا مؤسسه نباشند که به طور طبیعی، این مسأله در کار هیأت امنای اختلال ایجاد خواهد کرد و بر عملکرد آن تأثیر منفی خواهد گذارد. بنابراین توصیه می‌شود پیشنهاد انتصاب اعضای غیرثابت هیأت امنای (شخصیت‌ها علمی، فرهنگی یا اجتماعی کشوری و محلی) با رئیس دانشگاه، در مقام رئیس هیأت امنای مؤسسه، باشد.

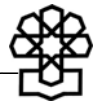
(

مطابق ماده (۷) قانون تشکیل هیأت‌های امنای دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی، نقش این هیأت‌ها در امور مالی و معاملاتی دانشگاه‌ها عبارتند از:

۱. بررسی و تصویب بودجه مؤسسه که از طرف رئیس مؤسسه پیشنهاد می‌شود،
۲. تصویب بودجه تفصیلی مؤسسه،
۳. تصویب نحوه وصول درآمدهای اختصاصی و مصرف آن،
۴. تعیین حسابرس و خزانه‌دار برای مؤسسه،
۵. کوشش برای جلب کمک‌های بخش خصوصی و عوائد محلی اعم از نقدی، تجهیزات و ساختمانی با رعایت ضوابط مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی،
۶. تصویب آیین‌نامه‌های امور مالی و معاملاتی که برحسب مورد پس از تأیید وزارتخانه مربوط قابل اجرا است،
۷. پیشنهاد میزان فوق‌العاده‌های اعضای هیأت علمی و غیر هیأت علمی (کارشناسان و تکنسین‌ها) که برحسب مورد پس از تأیید وزارتخانه‌های فرهنگ و آموزش عالی یا بهداشت درمان و آموزش پزشکی قابل اجرا است

۸. تعیین میزان پرداخت حق‌التحقیق، حق‌الزحمه، حق‌التألیف و نظایر آن». با تأمل در وظایف و اختیارات هیأت‌های امنای در زمینه امور مالی و معاملاتی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی و عملکرد این هیأت‌ها در این خصوص، نکات زیر قابل توجه است:

دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی تا پیش از انحلال هیأت‌های امنای در سال ۱۳۵۷، از نظر امور مالی و معاملاتی اختیارات گسترده‌ای داشته‌اند؛ چنان‌که معاملات دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی، به جز در مورد ذی‌حساب موضوع ماده (۲۴) قانون محاسبات عمومی، خارج از شمول مقررات قانون محاسبات عمومی و آیین‌نامه معاملات دولتی و سایر قوانین و مقررات مربوط به مؤسسات دولتی بودند و بودجه آن‌ها نیز به عنوان «کمک» در بودجه کل کشور منظور می‌شد و سازمان برنامه و بودجه سابق هم از زمان تأسیس هیأت‌های امنای تا پایان سال ۱۳۵۷ به صورت «کمیسیون کمک‌ها» عمل می‌کرد؛ اما براساس تبصره «۳۳» قانون بودجه سال ۱۳۵۷ شورای انقلاب، همه دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش



عالی و پژوهشی تابع قوانین عمومی کشور شدند و اعتبارات بودجه این مؤسسات نیز از صورت «کمک» خارج شد و در ردیف اعتبارات بودجه سایر وزارتخانه‌ها و ادارات دولتی قرار گرفت و این آغاز ماجرای مناقشه‌آمیز درازمدت دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی بود که کماکان ادامه دارد.

گرچه تصویب قانون هیأت‌های امنای دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی در سال ۱۳۶۷ که اعتبارات این مؤسسات را به صورت «کمک» در نظر گرفته و تصریح کرده بود که «امور مالی و معاملاتی این مؤسسات جز در مورد ذی‌حسابی موضوع ماده (۳۱) قانون محاسبات عمومی، مشمول سایر مقررات قانون مزبور و آیین‌نامه معاملات دولتی و سایر قوانین مربوط به مؤسسات دولتی نخواهد بود»، کوششی برای ارتقای جایگاه سازمانی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی در جهت کاهش وابستگی آن‌ها به دستگاه‌های اجرایی قابل ارزیابی بود، وجود اختلاف نظر در بین دستگاه‌های اجرایی و نظارتی کشور درباره این قانون باعث شده بود که زمان تصویب «قانون نحوه انجام امور مالی و معاملاتی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و تحقیقاتی» در سال ۱۳۶۹، قانون مذکور اجرا نشود.

قانون انجام امور مالی و معاملاتی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و تحقیقاتی به این مؤسسات اجازه داد تا اعتبارات جاری و عمرانی خود را مطابق با نیازها و اولویت‌های مربوط هزینه کنند و در واقع دست دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی را در هزینه کردن اعتبارات خود بازگذاشت. همچنین، اعتبارات مؤسسات مذکور را از اعتبارات سایر دستگاه‌های دولتی متمایز ساخت و جایگاهی متفاوت به آن در بودجه کل کشور بخشید؛ چنان‌که در ماده (۲) این قانون تصریح شده اعتبارات دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و تحقیقاتی «صرفاً در قالب طرح به صورت کمک در بودجه کل کشور» اختیار آن‌ها قرار خواهد گرفت.

بدین ترتیب، عبارت «طرح و برنامه» و «کمک» در این ماده از قانون، اعتبارات این مؤسسات را از شمول «قانون محاسبات عمومی» خارج می‌سازد؛ اما در این میان، ماده (۳۱) قانون محاسبات عمومی کشور درباره نظارت ذی‌حسابان استثنا شده است. با وجود این، اختلاف نظر وزارتخانه‌ها، نهادها و سازمان‌های درگیر درمسأله، در مورد اعتبار قانونی مصوبات هیأت‌های امنای سبب بروز برخی مشکلات اداری و حقوقی بین آن‌ها شده است.

چنان‌که اشاره شد، قانون هیأت‌های امنای دانشگاه و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی مصوب سال ۱۳۶۷، بررسی و تصویب بودجه مؤسسه را برعهده هیأت‌های امنای گذارده، بدون آن که خط‌مشی یا ضابطه‌ای برای آن پیش‌بینی کند. از طرف دیگر، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور با استناد به شرح وظایف و اختیاراتش خود را ناظر بر فعالیت‌های کلیه وزارتخانه‌ها و نهادها می‌داند و معتقد است که این سازمان باید از کم و کیف فعالیت‌های مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی اطلاع داشته باشد تا اعتباراتی متناسب با فعالیت‌های مربوط به آن‌ها اختصاص دهد. از این رو بودجه درخواستی مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی در دفتر امور آموزش عالی و تحقیقات سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور بررسی می‌شود و پس از جرح و تعدیل‌های مورد نظر در سازمان به هیأت دولت و سپس مجلس شورای اسلامی برای تصویب تقدیم می‌شود. از طرف دیگر، دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی، بودجه



درخواستی خود را با توجه به برنامه‌های جاری، میان مدت و بلند مدت و براساس معیارهای خود، تنظیم می‌کنند و به سازمان مذکور می‌فرستند. این سازمان نیز با توجه به معیارهای خود آن‌ها را بررسی و تأمین اعتبار می‌کند که این امر مشکلاتی برای مؤسسات آموزش عالی در پی دارد. بنابراین، در این بین، هیأت‌های امنای فقط نقش پیشنهاد دهنده بودجه مؤسسات مربوط را برعهده دارند.

تصویب بودجه تفصیلی در بخش بودجه‌های عمرانی نیز ارزش چندانی ندارد؛ چرا که براساس قانون بودجه، دستگاه‌های اجرایی، از جمله دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی موظفند از یک ماه پس از ابلاغ اعتبارات سرمایه‌گذاری ثابت توسط سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، موافقتنامه شرح عملیات مربوط به طرح‌های عمرانی را برای مبادله موافقتنامه به این سازمان ارسال کنند. این سازمان نیز موظف است حداکثر ظرف مدت یک ماه موافقتنامه مذکور را ابلاغ یا اعاده کند. بنابراین، در واقع، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور در زمینه اجرای طرح‌های عمرانی دانشگاه‌ها نقشی تعیین کننده دارد. البته هیأت‌های امنای با توجه به این که بیش از ۶۰ درصد اعتبارات جاری به هزینه‌های ضروری و ثابت پرسنلی اختصاص می‌یابد، نمی‌تواند در این زمینه نقش‌آفرینی چندانی داشته باشد.

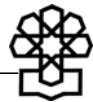
در مورد تصویب حساب‌ها و ترازنامه سالانه نیز باید گفت که این امر عملاً باعث اختلاف هیأت‌های امنای با وزارت امور اقتصادی و دارایی شده است. این وزارتخانه نقش مهمی در تخصیص اعتبارات از محل منابع عمومی و درآمدهای اختصاصی دانشگاه‌ها دارد و روند قوانین و مقررات اموال آن‌ها را پیگیری می‌کند. این وظایف به حاکم شدن قانون محاسبات عمومی بر فعالیت‌های دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی و در نتیجه، حضور ذی‌حساب وزارت امور اقتصادی و دارایی در آن‌ها منجر می‌شود.

همچنین براساس ماده (۷) قانون نحوه انجام امور مالی و معاملاتی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و تحقیقاتی، این مؤسسات مکلفند حساب کلیه اعتبارات و هزینه‌ها را نگهداری و صورتحساب دریافت و پرداخت هرماه و حساب نهایی هرسال را تنظیم کنند و پس از گواهی ذی‌حساب به پیوست مدارک مورد نیاز برای رسیدگی یا حسابرسی در اختیارات دیوان محاسبات کشور قرار دهند. بدین ترتیب زمینه دخالت مستقیم وزارت امور اقتصادی و دارایی در نحوه اعتبارات دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی و نیز نادیده گرفتن قوانین امور مالی و معاملاتی مؤسسات مذکور توسط این وزارتخانه، فراهم می‌شود.

از این رو، استنباط، تعبیر و تفاسیر مراجع ذی‌ربط مالی برون سازمانی از قوانین مقررات مالی و معاملاتی ناظر بر دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی و به تبع آن نحوه اختصاص و هزینه کردن اعتبارات و عدم پرداخت به موقع بودجه مصوب، باعث تشدید نارسایی‌ها و افزایش مسائل و مشکلات این مؤسسات، به ویژه برای تأمین به موقع نیازها، امکانات و تجهیزات مربوط می‌شود.

از طرف دیگر، وجود نظام ذی‌حساب همراه با تمرکز آن در وزات امور اقتصادی و دارایی و شمول قانون محاسبات عمومی به دانشگاه‌ها، پیامدهای زیادی دارد که برخی از آن‌ها عبارتند از:

۱. القای بی‌اعتمادی به مسئولان دانشگاه‌ها و اعضای هیأت علمی،
۲. ایجاد دوگانگی در مدیریت دانشگاه (تعدد مراجع تصمیم‌گیری)،
۳. عدم امکان هزینه مؤثر و به موقع اعتبارات و درآمدها، به ویژه اعتبارات و درآمدهای پژوهشی،



۴. ایجاد موانع متعدد در برقراری ارتباط دانشگاه با صنعت و سایر بخش‌های اقتصادی.

(

هیأت‌های امنای دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی فعالیت خود را به تدریج از سال ۱۳۷۰ آغاز کردند. این فعالیت‌ها در قالب فعالیت سه نوع متفاوت از هیأت‌های امنای، شامل هیأت‌های امنای مستقل دانشگاه‌ها، هیأت‌های امنای مناطق دانشگاهی و هیأت‌های امنای مناطق پژوهشی شکل گرفته‌اند.

براساس آیین‌نامه داخلی، هیأت‌های امنای حداقل دو تا سه بار در سال به طور عادی تشکیل جلسه می‌دهند. جلسه‌های فوق‌العاده هیأت‌های امنای نیز در مواقع ضروری، بنابر تقاضای یک تا سه تن از اعضای آنها و موافقت رئیس تشکیل خواهد شد. این هیأت‌های امنای پس از تأسیس و شکل‌گیری مجدد، جلسه‌های متعددی در سطح مناطق و دانشگاه‌ها برگزار کرده و مصوباتی در زمینه اساسی‌ترین فعالیت‌های آموزشی، پژوهشی، سازمانی، اداری و استخدامی، مالی و معاملاتی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی داشته‌اند که در ذیل به مهم‌ترین آنها اشاره می‌شود:

- بررسی و تصویب آیین‌نامه طراز کار داخلی هیأت‌های امنای،
- تشکیل کمیسیون دائمی برای هر یک از هیأت‌های امنای،
- تشکیل کمیسیون‌های مختلف کارشناسی یا مشورتی برای بررسی بیشتر و انجام کار کارشناسی روی مسائل مربوط و تنظیم گزارش‌های لازم،
- تعیین جداول پرداخت فوق‌العاده‌های بدی آب و هوا، محرومیت از تسهیلات زندگی و جذب شهر محل خدمت برای اعضای هیأت علمی مأمور به تحصیل در داخل کشور،
- افزایش ضریب و تعیین میزان حق‌التحقیق و حق‌الزحمه اعضای هیأت علمی و غیرهیأت علمی مؤسسات پژوهشی،
- تصویب آیین‌نامه نحوه هزینه کردن هدایا و کمک‌های مردمی،
- تعیین همترازی عناوین علمی اعضای هیأت علمی پژوهشی یا آموزشی،
- تفویض اختیار به کمیسیون داخلی برای بررسی و تصویب بودجه تفضیلی دانشگاه،
- تعیین وظایف اعضای هیأت علمی آموزشی و پژوهشی،
- تدوین آیین‌نامه پرداخت حق‌التألیف و حق‌الزحمه،
- افزایش فوق‌العاده مخصوص اعضای هیأت علمی،
- تصویب مقررات برقراری فوق‌الادیه روزانه در داخل کشور، اشتغال خارج از مرکز،
- خارج از کشور و هزینه سفر اعضای هیأت علمی،
- تصویب مقررات کمک هزینه مسکن به اعضای هیأت علمی فاقد مسکن،
- تصویب آیین‌نامه حق‌التعلیم رشته‌های ورزشی فوق برنامه در دانشگاه‌ها،
- افزایش ضریب حق‌التدریس اعضای هیأت علمی،
- تهیه دستورالعمل نحوه وصول درآمدهای اختصاصی و مصرف آنها،
- تهیه دستورالعمل نگهداری اموال مؤسسات پژوهشی،



- تعیین ضوابط اعطای ترفیعات بورسیه‌ها و اعضای هیأت علمی مأمور به تحصیلی،
 - تعیین میزان حداکثر حق الزحمه اعضای هیأت علمی مدعو خارجی برای تدریس در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی،
 - دادن اختیار به دانشگاه‌ها برای اعزام تعدادی از مربیان یا استادان به خارج از کشور برای ادامه تحصیل یا استفاده از بورس تحصیل،
 - اصلاح آیین‌نامه فرصت مطالعاتی اعضای هیأت علمی،
 - افزایش میزان فوق‌العاده مأموریت روزانه اعضای هیأت علمی،
 - موافقت با پرداخت فوق‌العاده مدیریت به اعضای هیأت علمی دارای مسئولیت‌های اجرایی،
 - اصلاح آیین‌نامه تدریس موقت و حق التدریس،
 - افزایش میزان و سقف حق‌التحقیق اعضای هیأت علمی پژوهشی،
 - بررسی میزان شهریه دانشجویان دوره شبانه و تعیین ضوابط برای افزایش آن و تفویض اختیار به شورای هماهنگی هیأت‌های امنای برای تصویب ضوابط با توجه به دیدگاه‌های کمیسیون دائمی مناطق و ...
 - بدون تردید، انجام دادن فعالیت‌های مذکور در کنار ده‌ها فعالیت دیگر، باعث قانونمندی و هماهنگی بیش‌تر دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی شده است.
- تاکنون در بررسی عملکرد هیأت‌های امنای، مقالات و گزارش‌های متعددی نگاشته شد؛ اما مهم‌ترین طرح تحقیقاتی اجرا شده در این زمینه، طرح «بررسی نگرش اعضای هیأت‌های امنای دانشگاه‌های کشور درباره قانون تشکیل هیأت‌های امنای و نتایج آن در اداره امور دانشگاه‌ها» است که در مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی انجام شده است.
- در این تحقیق که جامعه آماری مورد مطالعه آن، عبارت از اعضای هیأت‌های امنای دانشگاه‌های وابسته به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و هشت دانشگاه علوم پزشکی وابسته به وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و همچنین رؤسای سابق دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی وابسته به وزارت علوم (حداقل دارای یک سال سابقه ریاست یکی از دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی) بود، آمده است که تنها ۳۷ درصد از جامعه آماری مورد مطالعه معتقد به موفقیت هیأت‌های امنای در حد «خیلی زیاد» و «زیاد» در انجام دادن وظایف و اختیارات واگذار شده، بودند. این در حالی است که ۳۲ درصد از آنان این نهاد را در انجام دادن وظایف واگذار شده، ناموفق ارزیابی کرده‌اند. بیش‌تر افراد جامعه مورد مطالعه (۵۹/۵ درصد) اعتقاد داشتند که هیأت‌های امنای در تحقق اهداف راهبردی موفقیتی نداشته‌اند. آنان تنها در دو مورد (بررسی و تصویب بودجه پیشنهادی رئیس مؤسسه و تصویب بودجه تفصیلی) به موفقیت هیأت‌های امنای معتقد بودند. همچنین حدود ۳۹/۵ درصد از جامعه آماری مورد مطالعه معتقد بودند که هیأت‌های امنای در زمینه امور مالی و معاملاتی موفقیتی نداشته‌اند؛ اما در عین حال حدود ۲۲ درصد نیز معتقد به موفقیت هیأت‌های امنای در این زمینه بودند. براساس نتایج تحقیق یاد شده، در مجموع، حدود ۵۴ درصد از افراد مورد مطالعه معتقد بودند که عملکرد هیأت‌های امنای دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی «به نسبت موفق» بوده است. حدود ۲۵ درصد نیز این عملکرد را «ناموفق» دانسته و تنها ۱۱ درصد آن را «موفق» ارزیابی کرده‌اند.



:

: تحلیلی بر عملکرد هیأت امنای دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی

: یوسف محمدنژاد

: مطالعات فرهنگی

: دفتر فرهنگی

: رحمت ... قلی پور

:

هیأت امنا (Board of Trustests)
آموزش عالی (Higher Education)
دانشگاه (University)

:

۱. گید، ام‌ای، هیأت‌های امنا، ترجمه عبدالحسین نفیسی، فصلنامه پژوهشی و برنامه‌ریزی، ۱۳۷۶
۲. شریعت بهاء‌الدین، تحلیلی بر عملکرد هیأت امنا در نظام آموزش عالی، فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی، شماره‌های ۸ و ۷، تهران ۱۳۷۳
۳. راهنمای دانشگاه تهران، انتشارات دانشگاه تهران ۱۳۴۵
۴. قوانین و اساسنامه‌های مصوب دانشگاه‌ها و ... تهران، دفتر امور شوراهای وزارت علوم، ۱۳۴۹
۵. حیدری عبدی، احمد، بررسی نگرش اعضای هیأت‌های امنای دانشگاه‌های کشور ...، تهران، مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی، ۱۳۷۹
۶. فراستخواه مقصود، بررسی مراحل تحول دانشگاه در ایران، جلد اول، مؤسسه پژوهشی و برنامه‌ریزی ۱۳۷۹
۷. داوری احمد و احمدی پروین، جایگاه قانونی آموزش عالی دولتی، تهران، مؤسسه و پژوهش و برنامه‌ریزی، ۱۳۷۳
۸. مجموعه قوانین و مقررات مربوط به امور پژوهش، مرکز تحقیقات علمی کشور، تهران ۱۳۷۶
۹. عرب مازار، علی اکبر، نگرشی سیستمی به مسائل آموزش عالی در ایران، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی ۱۳۷۱